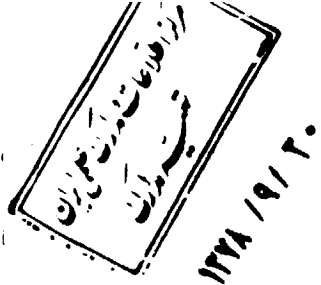


بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

۲۷۲۴۹



دانشگاه شهید بهشتی

دانشکده حقوق

پایان نامه

برای دریافت درجه کارشناسی ارشد

حقوق بین الملل

موضوع:

چگونگی تجلی اراده جمعی در سازمان ملل متحد

۱۴۹۲۹

استاد راهنما: جناب آقای دکتر سید جمال سیفی

استاد مشاور: جناب آقای دکتر هدایت ا... فلسفی

نگارش: منوچهر قربانیان

۲۷۲۴۹

بسم الله الرحمن الرحيم

بنام خداوند جان و خرد

کزین برتر اندیشه برنگذرد

قال النبي (ص):

اول العلم معرفة الجبار و آخر العلم تفويض الامر اليه

فهرست مطالب

صفحه	عنوان
۱	مقدمه :
۶	بخش اول : حقوق بین الملل و اراده جمعی
۷	فصل اول - نگاهی تاریخی به شکل گیری حقوق بین الملل و مبانی اراده جمعی
۸	مبحث اول - سیر شکل گیری حقوق بین الملل
۲۶	مبحث دوم - مبانی اراده جمعی
۵۳	فصل دوم - اراده جمعی در منابع حقوق بین الملل
۵۹	مبحث اول - تبیین جایگاه نظم حقوقی در حقوق بین الملل و تفاوت آن با حقوق داخلی
۷۲	مبحث دوم - اراده جمعی در معاهده و عرف
۷۴	بند اول - اراده جمعی در معاهده
۷۹	بند دوم - اراده جمعی در عرف
۸۵	مبحث سوم - شکل گیری منافع و ارزشهای مشترک در جامعه جهانی و ضرورت توسل به اراده جمعی
۹۷	بخش دوم - سازمان ملل متحد و اراده جمعی
۹۹	فصل اول - چگونگی تشکیل، انگیزه‌ها، اهداف، اصول و ساختار سازمان ملل متحد
۹۹	مبحث اول - چگونگی تشکیل و انگیزه‌ها
۱۰۶	مبحث دوم - اهداف و اصول
۱۱۶	مبحث سوم - ساختار
۱۲۰	فصل دوم - جایگاه و موقعیت اراده جمعی در سازمان ملل متحد
۱۲۱	مبحث اول - مکانیسم تصمیم گیری در شورای امنیت
۱۲۲	بند اول - در مورد مسائل ماهوی
۱۲۸	بند دوم - در مورد مسائل شکلی
۱۳۲	بند سوم - رأی ممتنع اعضای دائمی شورای امنیت و تأثیر آن بر شکل گیری اراده جمعی
۱۳۹	مبحث دوم - مکانیسم تصمیم گیری در مجمع عمومی
۱۴۲	بند اول - انواع قطعنامه‌های مجمع عمومی
۱۴۷	بند دوم - جایگاه قطعنامه‌های مجمع عمومی
۱۵۲	بند سوم - وفاق عام
۱۶۱	مبحث سوم - عوامل مهم در عدم شکل گیری اراده جمعی در سازمان ملل متحد
۱۶۱	بند اول - تضاد منافع و استفاده از حق وتو
۱۷۰	بند دوم - نابرابریهای عمیق اقتصادی
۱۸۱	چکیده و نتیجه گیری

تقدیر و تشکر

در اینجا به مصداق حدیث «من لم یشکر المخلوق لم یشکر الخالق» و به حکم وظیفه بر خود فرض می‌دانم از زحمات بیدریغ همه کسانی که به نحوی در تهیه این رساله مرایاری و مساعدت نمودند، خاضعانه تشکر نمایم. از زحمات استاد ارجمند جناب آقای دکتر سید جمال سیفی که با نظرات اصلاحی و روشنگرانه خویش، راهنمایی‌های ارزنده‌ای را در مراحل مختلف تدوین رساله ارائه فرمودند، عمیقاً سپاسگزارم. از مشاوره‌ها و ارشادات جناب آقای دکتر هدایت‌ا... فلسفی که سبب غنای این رساله گردید، تشکر می‌کنم.

از همکاری مسئولین محترم دفتر خدمات حقوقی بین‌المللی و دانشکده‌های حقوق دانشگاه شهید بهشتی و تهران که در تهیه منابع و کتب مربوط، بنده را یاری فرمودند، کمال تقدیر و امتنان را دارم همچنین از همسر دلسوز و فداکار و فرزندان عزیزم که صبورانه زحمات ایام تحصیل مرا تحمل نموده و زمینه مساعدی را جهت تحقیق و تدوین رساله فراهم آوردند، صمیمانه تشکر می‌کنم.

از خداوند متعال برای تمامی اساتید و پیروان راه علم و معنویت جهت اعتلای فرهنگ و تمدن اسلامی، توفیق روز افزون و برای روح حضرت امام خمینی (قدس سره) احیاگر اسلام ناب محمدی (ص) و شهدای راه حق و حقیقت علو درجات معنوی را خواهانم.

۱- طرح مسئله:

جامعه بین‌المللی، جامعه‌ای متشکل از دولتهاست و قانون‌گذاری جز خود آنها ندارد؛ به همین سبب اداره امور آن تابع همکاری دولتها با یکدیگر است. روابط کشورها بر پایه نهاد سیاسی - حقوقی حاکمیت^(۱) شکل گرفت و از مراحل ساده و ابتدائی به مراحل پیچیده و نهادینه شده رسید. در مراحل ابتدائی روابط دولتهای عضو جامعه فقط به چند زمینه معین محدود می‌شد و با مقررات عرفی تنظیم می‌گردید. اما ابزار مفید و مؤثری که دولتها برای قانونمند کردن این قبیل همکاریها ابداع کردند "معاهده"^(۲) بود. کشورها برای تأمین نیازمندیهای خود ابتداء بسوی دیپلماسی دو جانبه و سپس در اثر تحولات صنعتی، پیشرفت ارتباطات و افزایش مناسبات، کنفرانسهای دیپلماتیک را پایه‌گذاری نمودند. لیکن این کنفرانسها به علت نواقص و معایبی که داشتند، نتوانستند نیازهای جامعه بین‌المللی را برآورده سازند. به همین جهت اتحادیه‌های بین‌المللی خصوصی و عمومی پدید آمدند. این اتحادیه‌ها نیز چون متکی بر اراده‌های خصوصی افراد و دولتها بودند، نمی‌توانستند تضمین‌کننده منافع جامعه بین‌المللی باشند. لذا با توجه به پویائی و تحولات جامعه بین‌المللی به ایجاد سازمانهای بین‌المللی دائمی با هویت و شخصیت جدید گرفتند و برای اینکه این سازمانها بتوانند منافع جامعه بین‌المللی را بهتر تأمین نمایند به آن شخصیت بین‌المللی و اراده اعطاء کردند. از جمله این سازمانهای بین‌المللی، سازمان ملل متحد است که از مکانیسمهای مهم نهادینه کردن روابط بین‌الملل محسوب می‌شود. نهادینه شدن روابط و همکاری بین کشورها

1- Sovereignty

۲- در این رابطه ر.ک: مجله تحقیقات حقوقی، (تهران: دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی، شماره ۱۵)، صص ۹-۱۲ و همچنین به: دکتر گودرز افتخار جهرمی، «حاکمیت دولتها و محدودیتهای منشور ملل متحد»، مجله تحقیقات حقوقی، (تهران: دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی، شماره ۱۸، تابستان ۷۵ تا زمستان ۷۵)، صص ۲۲-۲۳.

بدین معناست که ارتباط آنها با یکدیگر بر اساس اصول (برابری مطلق کشورها، حق ملتها در تعیین سرنوشت خود، منع توسل به زور، حل مسالمت آمیز اختلافات بین المللی، عدم مداخله در امور داخلی یا خارجی کشورها، احترام به حقوق بشر، همکاری بین المللی، حسن نیت)، قواعد و رویه‌هایی صورت می‌گیرد که به نحوی مورد توافق آنها واقع شده است. این قواعد و رویه‌ها که در قالب معاهده و عرف تجلی یافته‌اند الگوهای رفتاری کشورها را مشخص ساخته و نحوه عملکردشان را نسبت به یکدیگر در حد متعارفی قابل پیش‌بینی می‌نماید. از طرف دیگر، این اصول طوری تعبیه شده است که از پیدایش یک دولت جهانی که بتواند روابط مختلف کشورها را تنظیم کند، جلوگیری نماید. به همین سبب جامعه جهانی بر خلاف جامعه داخلی فاقد نهادهای سه گانه قانونگذاری، اجرای قانون و مجازات متخلفین می‌باشد. منظور از اراده جمعی در این پژوهش تحقق امکان تصمیم‌گیری جمعی همه اعضای جامعه جهانی بدون توجه به میزان قدرت و جایگاه کشورها در سیستم جهانی است.

قالبهای سنتی احراز اراده جمعی در جامعه بین‌المللی اولیه و نیمه سازمان یافته عرف و معاهده می‌باشد.

دلایل فرهنگی، سیاسی و اقتصادی ایجاب می‌نماید که دولتها چنانچه بخواهند اراده، توانائی، قدرت و استعدادشان را در یک سازمان بین‌المللی هماهنگ و متشکل سازند اصل برابری حاکمیت^۲ میان آنها حاکم باشد. نتیجه این اصل، اتفاق آراء بود اما این مکانیزم بر اثر عدم کارائی خود و تحولات جدید متروک و سیستم اکثریت آراء جایگزین آن شد. در کنار این راه‌حلهای حقوقی، یک راه حل سیاسی بنام اجماع (consensus) ظاهر شد. نتیجه اینکه اراده جمعی در سیر و روند تکاملی خود گاهی در قالب سیستم اتفاق آراء (اعم از آراء همه اعضای جامعه و یا شورائی) و در زمانی دیگر سیستم اکثریت آراء (اعم از مطلق، نسبی، $\frac{4}{5}$ و $\frac{2}{3}$) و در پاره‌ای از موارد سیستم آراء ترجیحی و اخیراً هم بصورت اجماع جلوه‌گر شده است. حال سؤال اینست که، آیا اراده جمعی با توجه به خصوصیات که برای جامعه جهانی و سازمان

ملل متحد بیان شد قابل تحقق هست یا نه؟

با پیدایش مکانیزمهای جدید حقوقی و سیاسی مکانیزمهای سنتی احراز اراده جمعی یعنی معاهده و عرف بطور کامل کنار گذاشته نشده‌اند بلکه این مکانیزمها نقش مکمل یکدیگر را ایفاء می‌کنند. به تعبیر دیگر ابزارهای سنتی و سازمان ملل متحد فرمولهایی بودند برای بیان اراده جمعی کشورها.

۲- پیشینه موضوع پژوهش :

در زمینه تحقق اراده جمعی در جامعه جهانی در قالب منابع حقوق بین‌الملل مقالات و کتابهای چندی به رشته تحریر درآمده است.^(۱) تأکید اصلی این کتابها این بوده است که تجلی اراده جمعی را در قالب منابع سنتی حقوق بین‌الملل یعنی معاهده و عرف تبیین نمایند. در حالیکه بنظر نویسندگان این رساله نه تنها منابع سنتی حقوق بین‌الملل توانائی و استعداد لازم را برای تبیین موضوع مورد نظر ندارند بلکه ماهیت جامعه بین‌المللی و ضعف مفهومی معاهده و عرف مانع تحقق اراده جمعی است؛ چرا که مبنای اراده جمعی اصل توافق و رضایت کشورهاست و تحقق و کسب رضایت همه اعضای جامعه جهانی در یک موضوع غیرممکن و شاید محال است. علاوه بر آن اراده جمعی به آن مفهومی که قواعد حقوقی ناشی از آن برای تمامی کشورها لازم الاجراء باشد وجود ندارد.

۳- هدف پژوهش :

هدف پژوهش حاضر اینست که باتوجه به فقدان منابع فارسی در زمینه چگونگی تجلی اراده جمعی در جامعه جهانی و سازمان ملل متحد، رساله‌ای به زبان فارسی تهیه شود. و در واقع

پراکردن خلاء موجود در خصوص موضوع رساله است.)

۴- متغیرهای دخیل :

1-Look at Ian .Brownlie, principles of public international law , clarendon press,oxford and ed ,1990,p.1 and also see, M.Akeharst,"custom as source of International law", BYIL , 1974.

پژوهش حاضر دارای خصلت‌های ترصیفی، تحلیلی و تاریخی است و فاقد متغیرهای دخیل می‌باشد و در نتیجه مطالعه روند به حساب می‌آید.

۵- فرضیه:

چون پژوهش حاضر فاقد متغیرهای دخیل می‌باشد لذا تنها یک فرضیه به شرح زیر مورد آزمون قرار گرفته و به سنجش گذاشته می‌شود:

اراده جمعی در جامعه جهانی و سازمان ملل متحد با خصوصیات فعلی (ضعف منابع حقوق بین‌الملل، عدم تمرکز قدرت و نبود ساختارهای مناسب قانونگذاری، اجرائی و قضائی، تضاد منافع و حق و تو، نابرابریهای عمیق اقتصادی و فرهنگی، ضعف ساختاری منشور، دلبستگی دولتها به جزم حاکمیت و تحت سلطه بودن بسیاری از ملتها و کشورها) تحقق نمی‌یابد.

۶- روش آزمون فرضیه:

برای آزمون فرضیه پژوهش از روش اثباتی استفاده می‌شود و داده‌های مربوطه پس از گردآوری در جهت اثبات فرضیه پژوهش مورد تجزیه و تحلیل قرار می‌گیرد.

۷- قلمرو موضوع:

تصمیم‌گیری جمعی سازمان در دو بعد درون سازمانی و بیرون سازمانی قابل طرح است. در این رساله تنها به تصمیم‌گیری جمعی در بعد بیرون سازمانی پرداخته شده است.

۸- پیامدهای اثبات فرضیه اصلی:

پیامد و نتایج اثبات فرضیه اصلی به شرح زیر می‌باشد:

الف- اراده جمعی در قالب منابع حقوق بین‌الملل موجود تحقق پذیر نیست؛

ب- ضرورت دارد منابع حقوق بین‌الملل مورد بازنگری قرار گیرند؛

ج- قواعد آمره می‌تواند تجلی بخش اراده جمعی تلقی گردد؛

د- اراده جمعی در قالب سیاسی امکان تحقق دارد؛

هـ سازمان ملل متحد جهت تحقق اراده جمعی نیازمند به تغییر در ساختار و منشور خود می باشد؛

و - قطعنامه های مجمع عمومی می تواند تجلی اراده جمعی کشورها باشند.

۹- سازماندهی پژوهش :

این پژوهش در دو بخش و در هر بخش ۲ فصل طراحی و تنظیم شده است. در بخش نخست حقوق بین الملل و مبانی اراده جمعی بررسی می شود و در بخش دوم موقعیت و جایگاه اراده جمعی در سازمان ملل متحد مورد نقد و ارزیابی قرار گرفته و در خاتمه نتیجه گیری و کتابخانه آورده شده است.

بخش اول:

حقوق بين الملل و
اراده جمعى

فصل اول - کلیات: نگاهی تاریخی به شکل گیری حقوق بین الملل و مبانی اراده

جمعی

جهت ورود به بحث موضوع رساله بهتر است ابتدا کلیاتی از مباحث مربوط به "چگونگی تجلی اراده جمعی در سازمان ملل متحد" بطور خلاصه مطرح گردد. لذا در این فصل ابتدا تاریخچه شکل گیری حقوق بین الملل بیان می شود و سپس در مبحث دوم مبانی تئوریک اراده جمعی مورد بررسی قرار می گیرد.

مبحث اول - سیر شکل‌گیری حقوق بین‌الملل

در مطالعات علوم انسانی "مقایسه" نقش اساسی را در مطالعات علمی دارد. این مقایسه معمولاً بین پدیده‌های تاریخی و پدیده‌های معاصر انجام می‌شود. در پژوهش حاضر، هدف کشف زمینه‌های غیر حقوقی عدم شکل‌گیری اراده جمعی در جامعه جهانی است و اینکه چه موانعی سبب شده‌اند تا جامعه جهانی نتواند به نوعی اشتراک نظر در خصوص قواعد عام حقوقی دست یابد. در این مبحث سیر تاریخی شکل‌گیری حقوق بین‌الملل مورد بحث و بررسی قرار می‌گیرد. علمای حقوق سیر شکل‌گیری حقوق بین‌الملل را به مراحل زیر تقسیم‌بندی نموده‌اند:^(۱)

مرحله اول - دوران باستان (از زمانهای قدیم تا ۴۷۶ میلادی)

مرحله دوم - از آغاز قرون وسطی تا عهدنامه وستفالی (۴۷۶ میلادی تا ۱۶۴۸).

مرحله سوم - از معاهدات وستفالی تا جنگ جهانی اول (۱۶۴۸ میلادی تا ۱۹۱۸)

مرحله چهارم - از جنگ جهانی اول تا جنگ جهانی دوم (۱۹۱۸ میلادی تا ۱۹۴۵).

مرحله پنجم - از منشور ملل متحد تا کسب استقلال کشورهای مستعمره (۱۹۴۵ تا ۱۹۶۰).

مرحله ششم - از آغاز گسترش اعتبار جهان سوم تا امروز (۱۹۶۰ تا حالا).

حال با توجه به فرضیه پژوهش هدف این رساله آن است که آیا در مراحل ۶ گانه فوق‌اراده جمعی شکل گرفته است یا نه؟

"در دوران باستان فکر تشکیل یک جامعه بین‌المللی که در آن دول و ملل مختلف با حفظ استقلال و حاکمیت با هم همکاری کنند و قواعد اصول مشترکی را رعایت نمایند، وجود

۱- البته تقسیم‌بندیهای دیگری از تاریخ تحول و شکل‌گیری حقوق بین‌الملل وجود دارد. بعضی علمای حقوق برای تحول حقوق بین‌الملل ۵ دوره، بعضی دیگر ۴ دوره، بعضی نیز سه دوره و برخی نیز دو دوره قایل شده‌اند. برای مطالعه بیشتر ر.ک: آنتونیوکاسسه، حقوق بین‌الملل در جهانی نامتحد، ترجمه دکتر مرتضی کلانتریان، (تهران: انتشارات دفتر خدمات حقوقی جمهوری اسلامی ایران، چاپ اول، زمستان ۱۳۷۰)، ص ۵۵ به بعد و همچنین دکتر محمد صفدری، حقوق بین‌الملل عمومی، (تهران: انتشارات ابوریحان، جلد اول، چاپ اول، اردیبهشت ۱۳۴۲)، ص ۵۰ به بعد.

نداشت، زیرا از یک طرف ملل قدیم در حال انزوا بسر می‌بردند و از طرف دیگر اصولاً هر ملت خود را برگزیده خدا و دارای قدرت مطلقه می‌دانست و سایر اقوام و ملل را بنده و زیر دست و مطیع خود تلقی می‌کردند. علاوه بر این هر ملت مذهب و خدایان و زبان و حقوق و قواعد اخلاقی و رسوم اجتماعی مخصوص بخود داشت و اشتراک منافع و همبستگی که سبب نزدیکی و همکاری دول باشد وجود نداشت.^(۱) بنابراین در این دوران به علت عدم وجود دولت و جامعه جهانی اصولاً موضوع اراده جمعی موضوعیت نداشته و زمینه ظهور و تجلی نیافته است.

در قرون وسطی، کشورهای از نظر جغرافیائی وجود داشتند که فاقد خصوصیات و شرائط کشورهای عصر جدید (حاکمیت و استقلال) بودند این گونه کشورها واحدهای جغرافیائی بودند که تحت سلطه پادشاهان یا شاهزادگانی قرار گرفته بودند که معمولاً دارای قدرت مرکزی قضائی و اجرائی نبودند. واحدهای اروپائی در روابط خود با سایر واحدها استقلال نداشتند و روابط بین آنها رسماً زیر نظر و نظارت امپراطوری روم و پاپ قرار داشت.^(۲) لذا در این دوره هم به علت اینکه هنوز دولت به معنای جدید شکل نگرفته و همه دولتها تحت سیطره و نفوذ یک امپراطوری و یا کلیسا قرار دارند صحبت از جامعه بین‌المللی و حقوق بین‌الملل به معنای امروزی و بالنتیجه اراده جمعی موردی ندارد.

در دوران بعد؛ "جامعه بین‌المللی بتدریج در اواخر قرون وسطی اروپایی شکل گرفت و در قرون هفدهم و هجدهم رشد نمود. با انعقاد معاهدات و ستفالی در ۱۶۴۸، حاکمیت و برابری کشورها عم از کوچک و بزرگ به عنوان اصول عمده روابط بین‌الملل شناسائی و تأیید شد و به این ترتیب اصول سیاسی حقوق بین‌الملل پایه‌ریزی شد."^(۳) این عهدنامه نقطه عطفی در سیر

۱- دکتر محمد صفدری، همان مأخذ، ص ۵۲ و همچنین، کلود. آلبِر. کلییار، سازمانهای بین‌المللی، ترجمه و تحقیق از دکتر هدایت... فلسفی (تهران: نشر فاخته، ۱۳۷۱)، صص ۵-۶.

۲- هوشنگ عامری، اصول روابط بین‌الملل، (تهران: انتشارات آگاه، ۱۳۷۴)، صص ۲۰۸-۲۰۹.

۳- کلود. آلبِر. کلییار، نهادهای روابط بین‌الملل، ترجمه و تحقیق دکتر هدایت... فلسفی (تهران: نشر نو، ۱۳۶۸)، ص ۵۹.

تکاملی جامعه بین‌المللی و طلایع عصر جدیدی در روابط بین‌المللی تلقی می‌شود. به این جهت که برای اولین بار پس از جنگ‌های طولانی، واحدهای جغرافیائی مختلف اروپا از نظر داخلی و خارجی عملاً و رسماً مستقل و مساوی شناخته شدند.^(۱)

بنابراین ملاحظه می‌شود که پایه‌های اساسی روابط بین‌المللی به صورت امروزی از اواسط قرن ۱۷ (بعد از عهدنامه وستفالی ۱۶۴۸) و پس از ظهور دولت برخوردار از حاکمیت بنیان نهاده شد و مقصود از دولت، واحد جغرافیائی بود که دارای نظم داخلی و استقلال در سیاست خارجی بوده و به منظور تحصیل هدفهای ملی با واحدهای جغرافیائی نظیر خود، روابط متقابل برقرار می‌نماید.^(۲)

تنظیم کنندگان عهدنامه وستفالی بدعت تازه‌ای گذاشتند. در تلو مقررات عهدنامه وستفالی، جامعه بین‌المللی به صورت جامعه متشکل از پرنس‌ها باقی ماند و حاکمیت تقویت شد. دولت به مفهوم مجموعه مؤسسات اداره کننده از میان رفت و مفهوم دولت در شخص پرنس ادغام گردید و نظر لوئی چهاردهم که می‌گفت، دولت من هستم، تعمیم پذیرفت و مقررات حقوقی با اراده پادشاهان اعتبار یافت. جامعه بین‌الدول بجای آنکه بر مبنای حقوقی تشکیل شود بر مبنای سیاسی تشکیل شد و سیاست از این پس نقش مؤثری در روابط بین‌الدول به عهده گرفت و مبنای روابط دول عاقد قرارداد، رعایت اصل توازن قوا گردید.^(۳)

امرای مستقل با استفاده از نظریه حاکمیت مطلق، خود را ملزم با رعایت هیچگونه تعهد و قانون و حکمیتی نمی‌دانستند. اندیشه تقسیم بشر به انواع مختلف که در ادوار باستانی به صورت یونانیان در برابر وحشیان و مسیحیان در برابر کافران تبلور می‌یافت. این بار به صورت اروپائیان در برابر غیر اروپائیان ظاهر شد. بدین معنی که در درون جامعه اروپائی

۱- هوشنگ عامری، همان مأخذ، ص ۲۱۰.

۲- هوشنگ عامری، همان مأخذ، ص ۲۰۸. برای مطالعه بیشتر ر.ک: دکتر ابوالفضل قاضی، حقوق اساسی و نهادهای سیاسی، (انتشارات دانشگاه تهران، جلد اول، ۱۳۶۸)، صص ۲۸۴-۱۲۲.

۳- حسن ارستجانی، حاکمیت دولتها، (تهران: شرکت سهامی کتابهای جیبی، چاپ دوم، ۱۳۴۸)، ص ۲۰.